



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۲/۰۸

م. اسحاق نگارگر

گفتنش آسان است ولی موشی که زنگوله را به گردنِ پشک بیفکند کجاست؟



میگویند در جلسه مسکو برخی از سیاستمداران زمره تشکیل یک حکومتِ موقت دیگر را سردادند و این موضوع مرا به یاد داستانی از ملانصرالدین مرحوم افگند. نُخست داستان را برای تان می گویم:

میگویند ملا در سفری مجبور بود از یک صحرای خشک و بی آب و علف بگذرد و به حکم احتیاط خربوزه ای خرید و در خورجین نهاد تا در آن بیابان او را از تشنگی برهاند. در بیابان خربوزه را قاش کرد و ملتفت شد که خربوزه بسیار پکه و بی مزه بود و با خریدن آن خربوزه پول خود را در آب افکنده بود. بدون اینکه به عاقبت کار بیندیشد بند تنبان را باز کرد و به فرمان خشم بر روی آن خربوزه بی مزه شاشیدن گرفت.

وقتی خشمش فرو نشست و تشنگی و تلخکامی باز پنجه برتنش افگند از راه برگشت و برسر خربوزه آمد. هر باره را بر میداشت و با اشتهای میخورد و خود را تسلی میداد که این قسمت آلوده نشده است تا آنجا که با همین تلقین تمام خربوزه را خورد.

سیاستمداران ما که از مدرسه سیاست چیزی در خور توجه نیاموخته بودند ولی اتفاقات آنان را بالا آورده بود در بُن حکومتی موقت درست و کرسی ها را نه به حساب صلاحیت و کفایت بلکه به حساب شیر و خط و اهمیت کرسی میان خود تقسیم کردند و عواید گمرک ها و کمک های خارجی را حریصانه در جیب ها ریختند و در ظرف دو سه ماه آنانی که در آسمان ستاره و در زمین نشیمنگاه نداشتند ملیاردرها شدند و این ملیاردرها نگران یک پُرشش بودند تا یکی نیاید و از این دولتمردان دیروز نپُرسد که آقایان این ثروت باد آورد را از کجا آوردید.

نخستین رئیس جمهور و برادرانش نیز که از همان راه های ناگفتنی ثروت اندوخته بودند برای اینکه رسوا نشوند خود را با جماعت هم رنگ ساختند و تخم رشوه و فساد را بر محیط کار خود انداختند و نتیجه کار همان تقلب؛ فریبکاری و شکست بود و اختلاف در میان به اصطلاح سیاستمداران ریشه دارتر گردید و به حکم نان به نرخ روز خوردن امروز با یکی عهد بستند و فردا آن عهد را شکستند و شاهد حمله نشین سیاست را آن چنان مبتدل و بازاری ساختند که حتی حامیان و مدافعان شان درماندند که به کدام گفته اینان اعتماد و به حکم کدام یک عمل کنند. اکنون این آقایان

پنداشته اند که وضع همان وضع سال دو هزار و یک است که باز خارجیان به اینان فرصت می دهند که بنشینند؛ رگ گلو ببنداند و رجزها بخوانند و باز حکومت مؤقت بسازند و سیل دالر و پوند و یورو باز به سوی کشور سرازیر شود یعنی کاروانی دیگر زده شود تا کار اینان سره گردد. غافل از اینکه جامعه جهانی می خواهد گریبان خود را خلاص کند و راه خود را بگیرد و برود. دیگر امریکا هم قصد ندارد که برخی ها را در بوجی دالر بدهد.

بعد از این هر رئیس جمهور که از انتخابات بیرون می آید باید صندوق خالی دولت را از پول های به تاراج رفته پُر کند و پروگرام اصلاحات عاجل اقتصادی را روی دست بگیرد. مردم نیز به قدر کافی هوشیار شده اند و عهد بندی ها و عهد شکنی های سیاستمداران خود را آزموده اند سیاست در افغانستان ناگزیر به دست جوانانی می افتد که عوزه پیلۀ قومیت و زبان را شکسته اند و ملت ساز استند. خیلی ممکن است که در انتخابات سال آینده و سالهای بعد از آن نیز تقلب صورت بگیرد ولی طبیعی است که با هوشیار شدن مردم سطح تقلب پایین و پایین تر بیاید اما همه دیده اند که زورمندان تا آنجا که دل شان خواسته است بر خربوزه حکومت مؤقت شاشیده اند و آنان که در مسکو هم گرد آمده اند نمی توانند بریک رهبر موافقه کنند بنا بر این هرکس که حوصلۀ تحمل دیگران را دارد باید بداند که تحمل پذیری ایجاب احترام به عقاید مخالف را می کند و هرکس که بدون رأی و کسب صلاحیت مردم در باره این یا آن گونه دولت صحبت می کند اعتقاد خود را بر دیگران تحمیل می کند و این رسم دگرپذیری نیست.

رهبران نیز از روبرو شدن با مردم ترس دارند به همین دلیل است که همان مقامات میراثی را حفظ کرده اند و خود را رهبر این حزب یا آن گروه می خوانند. حالات تازه ایجاب رهبران انتخابی را می کند و بورئیای رهبران خود گماشته باید پیچیده شود.

فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر ۷ فیروری ۲۰۱۹ برمنگهم



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

گفتنش آسان است

n_negargar_goftanash_aasaan_ast.pdf